سلمان احمدوند، جامعه شناس:

گذر از «جهادی‌گری نمادی» به «جهادی‌گری نهادی» بسیاری از مشکلات جامعه را حل می‌کند

روز تعاون و حرکت‌های جهادی این حقیقت را یادآوری می‌کند که خدمت به مردم فقط در قالب قرارداد و نهادهای رسمی خلاصه نمی‌شود، بلکه تعاون با ساختاری پایدار و اقتصادی شکل گرفته و اردوهای جهادی با نور و حرارت خودجوش از ایمان، اخلاق و حس مسئولیت اجتماعی جوانان است که به گفته جامعه‌شناسان اگر کنار هم باز تعریف شوند، خود تهی و به پوسته‌ای بی‌جان تبدیل می‌شوند. راه احیای تعاونی‌ها، بازگشت به اصل «مشارکت واقعی» و «اعتمادسازی» است نه صرفاً ثبت حقوقی و فعالیت صوری.

از نگاه اجتماعی، آیا حرکت‌های جهادی همچنان برای مردم و جوانان جذابیت دارند؟

جوان امروز، در گیسو بحران معناست. در جهانی پر از مصرف‌گرایی، رقابت و انزوا، حرکت‌های جهادی فرصتی است برای تجربه خدمت می‌زند، زیست جمعی، خود ابرازگری و دیگر دوستی. این اردوها برخلاف بسیاری از فعالیت‌های رسمی به جوان حس دیده‌شدن، اثرگذاری و تعلق می‌دهند. از این منظر، جذابیت‌شان نه تنها باقی، بلکه در برخی موارد، رو به فزونی است.

چالش‌ها و موانع جذب جوانان به فعالیت‌های جهادی امروز چیست و چه راهکارهایی برای افزایش مشارکت آنها وجود دارد؟

چالش‌ها و راهکارهایی در این زمینه قابل طرح است. از جمله چالش‌ها می‌توان به گسست نسلی و کاهش اعتماد به نهادهای رسمی، فشارهای اقتصادی و تحمیلی بر جوانان و همچنین ضعف در روایتگری و رسانه‌سازی اشاره کرد. در مقابل، راهکارهایی نیز وجود دارد؛ از جمله بهره‌گیری از روایت‌های انسانی و مستند در فضای مجازی، پیوند اردوهای جهادی با مهارت‌آموزی، کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی، شکل‌گیری شبکه‌های داوطلبی با هویت مستقل، شفاف و مردمی و نیز معرفی و ترویج الگوهای جوان موفق در عرصه جهادی.

در نگاه جامعه‌شناسی و رفتاری، ویژگی شخصیتی جوانانی که در اردوهای جهادی شرکت می‌کنند، در مقایسه با دیگر هم سن‌وسالان‌شان چیست؟

از منظر رفتاری، جوانان جهادی سرمایه روانی و معنوی بیشتری دارند از جمله تاب‌آوری، امید و انگیزه در آنها برخی می‌گویند امروزه تعاونی‌ها کارکرد واقعی خود را از دست داده‌اند، نظر شما چیست؟

در بسیاری از موارد بله. تعاونی‌ها قرار بود بستر مشارکت اقتصادی مردم باشند، ولی به دلیل ضعف در مدیریت، نبود شفافیت و گاه نفوذ منافع شخصی، از مسیر اصلی منحرف شده‌اند. جامعه‌شناسان این پدیده را نهادزدایی می‌نامند، یعنی نهادها از معنا و کارکرد اجتماعی خود تهی و به پوسته‌ای بی‌جان تبدیل می‌شوند. راه احیای تعاونی‌ها، بازگشت به اصل «مشارکت واقعی» و «اعتمادسازی» است نه صرفاً ثبت حقوقی و فعالیت صوری.

اردوهای جهادی اگر به نهادهای فراگیر تبدیل شوند، می‌توانند در کاهش بیکاری، مهاجرت و سرخوردگی‌های اجتماعی بسیار مؤثر باشند. این مهم، نیازمند بازتعریف ماموریت، حمایت ساختاری و پیوند با سیاست‌های کلان توسعه است. به سخن دیگر، باید از «جهادی‌گری نمادی» به «جهادی‌گری نهادی» گذر کرد

موج می‌زند. کمتر فردگرا و بیشتر جمع‌گرا هستند. در تعاملات اجتماعی، اعتماد به نفس و مهارت ارتباطی بیشتری دارند و مهم‌تر از همه در برابر سختی‌ها، مقاوم‌تر و مسئولیت‌پذیرترند. این ویژگی‌ها، محصول تجربه زیسته در اردوهای جهادی است. جایی که فرد نه صرفاً مصرف‌کننده بلکه کنشگر است.

ویژگی‌های شخصیتی جوانان جهادی را می‌توان از منظر جامعه‌شناختی در چارچوب چند نظریه کلیدی تحلیل کرد: نخست، براساس نظریه کنش اجتماعی ماکس وبر، رفتار این جوانان اغلب در قالب «کنش ارزشی» قابل فهم است، یعنی فعالیت‌های آنان نه از سر سود شخصی، بلکه در راستای تحقق ارزش‌هایی چون عدالت و همیاری شکل می‌گیرد. این نوع کنش، نشانگر بلوغ اخلاقی و تعهد اجتماعی آنان است.

در پرتو نظریه سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام و پیر بوردیو، جوانان جهادی در شبکه‌های اجتماعی فعالی حضور دارند و از سرمایه‌هایی چون اعتماد متقابل، مشارکت فعال و ارتباطات مؤثر بهره‌مندند. این سرمایه‌ها نه تنها در اردوهای جهادی، بلکه در زندگی روزمره نیز به تقویت حس مسئولیت و تعلق اجتماعی می‌انجامد. در نظریه یادگیری اجتماعی البرت بندورا تأکید بر این است که رفتارهای اجتماعی از طریق مشاهده، تقلید و تجربه شکل می‌گیرند. در فضای اردوهای جهادی، جوانان الگوهای مثبت تأثیر می‌پذیرند و خود نیز به الگوهایی برای دیگران تبدیل می‌شوند. این فرایند، موجب تقویت خودکارآمدی و رشد شخصیت اجتماعی آنان می‌شود. برپایه نظریه کنش ارتباطی یورگن هابرماس، تعامل انسانی، گفت‌وگو و تصمیم‌گیری جمعی در اردوهای جهادی، بستری برای تحقق عقلانیت ارتباطی فراهم می‌کند. جایی که اخلاق، همدلی و عقلانیت در خدمت توسعه اجتماعی قرار می‌گیرند.

هابرماس عقل ارتباطی و ابزاری را در تقابل و تعامل می‌داند. عقل ابزاری، با تمرکز بر کارایی، نظم و هدف‌مندی می‌تواند در سازماندهی، تخصیص منابع و اجرای پروژه‌ها نقش مؤثر ایفا کند، اما اگر بر اردوها سلطه یابد، روح انسانی و داوطلبانه آنها را به فرایندهایی خشک و بوروکراتیک تقلیل می‌دهد. در مقابل، عقل ارتباطی، بر پایه گفت‌وگو، تفاهم و مشارکت است که هویت اصلی اردوهای جهادی را شکل می‌دهد. تصمیم‌گیری جمعی، همدلی میان کنشگران و ممانعت نخستین به خدمت‌رسانی، همگی جلوه‌هایی از عقل ارتباطی‌اند. اردوهای جهادی، زمانی اصیل و مؤثرند که عقل ابزاری در خدمت عقل ارتباطی قرار گیرد نه بالعکس.

چه توصیه‌ای به خانواده‌ها دارید تا جوانان‌شان روحیه جهادی و مشارکت اجتماعی‌شان را در خود پرورش دهند؟

از آنجا که خانواده نخستین نهاد جامعه‌پذیری است، برای پرورش روحیه جهادی در فرزندان باید ارزش «خدمت به دیگران» را در گفتار و رفتار نهادینه کرد. فرزندان را به تجربه‌های داوطلبانه تشویق نمود و از الگوهای زیسته خود، روایت‌هایی انسانی و الهام‌بخش ساخت. فرزندانی که در خانواده، مشارکت را تجربه کرده‌اند در جامعه نیز کنشگر خواهند بود و برای نیل به اهداف‌شان مشارکت را به نکوری و دیگر دوستی را به خودخواهی ترجیح خواهند داد.

جوانان امروزی با مشکلاتی مانند مهاجرت، بیکاری و فشار اقتصادی روبه‌رو هستند. آیا اردوهای جهادی می‌توانند این موانع را تسهیل و حل کنند یا نیاز به بازتعریف دارند؟ پیشنهاد شما چیست؟

اردوهای جهادی اگر به نهادهای فراگیر تبدیل شوند، می‌توانند در کاهش بیکاری، مهاجرت و سرخوردگی‌های اجتماعی بسیار مؤثر باشند. این مهم، نیازمند بازتعریف ماموریت، حمایت ساختاری و پیوند با سیاست‌های کلان توسعه است. به سخن دیگر، باید از «جهادی‌گری نمادی» به «جهادی‌گری نهادی» گذر کرد.

محمدجواد مردی، مسئول گروه جهادی امیدگاه نجف:

اردوهای جهادی مدرسه‌ای برای تربیت جوانان و تجربه خدمت بی‌منت است

اردوهای جهادی نه تنها فرصتی برای خدمت به مناطق محروم و کمبرخوردار است، بلکه تاثیر شده است بستری برای تربیت، رشد و شکل‌گیری هویت جوانان فراهم می‌کند. محمدجواد مردی، مسئول گروه جهادی «امیدگاه نجف»، اردو را نوعی هجرت و جابه‌جایی می‌داند که فضایی برای فعالیت خالصانه و رضای خدا ایجاد می‌کند. او معتقد است این تجربه، موتور محرکه‌ای الهی دارد و هیچ مزد مادی یا برنامه‌ای نمی‌تواند جای آن را بگیرد. مردی که اولین تجربه جهادی‌اش در زلزله کرمانشاه بود، اکنون بیش از ۱۰ پروژه عمرانی در خوزستان با نوسیه حاج قاسم و آکادمی می‌کند. چنین فعالیت‌هایی باعث می‌شود جوانان احساس مفید بودن کنند و با سختی‌ها و محرومیت‌ها آشنا شوند و ارزش زندگی خود را بهتر درک کنند. با وجود ظرفیت بالای نسل جوان، او معتقد است هنوز درصد کمی از آنها تجربه حضور در اردوهای جهادی را داشته‌اند و امیدوار است فرصت‌هایی فراهم شود تا هر نوجوان و جوان حداقل یک‌بار این تجربه ارزشمند را داشته باشد.

■■■

اردوهای جهادی؛ بستری برای تربیت و خدمت نسل جوان

مسئول اردوهای جهادی «امیدگاه نجف» با تأکید بر توصیه رهبری که فرمودند فضای جهادی به جوان‌ها واگذار شود، گفت: «در کل این فضا، فضایی است که نسل جوان در آن هویت پیدا می‌کند، تربیت می‌شود و احساس مفید بودن می‌کنند. به نظر من نسلی که می‌تواند بیشترین نقش را ایفا کند و در این فضا تربیت شود، نسل جوان است. از فرمایش‌های مقام معظم رهبری هم مشخص است که توصیه می‌کنند فضای جهادی به جوان‌ها هم آموزش و تربیت، هم مبارزه با نفس جوان از راحتی‌ها شهر خود دور می‌شود و به مناطق سخت و کم برخوردار می‌رود و تا خدمت کند. شرایط گاهی بسیار دشوار است، مثلاً به حمام دارد نه دستشویی اما با یک موتور محرک الهی و تنها برای رضای خدا این سختی‌ها را به جان می‌خرد.» او در ادامه گفت: «ما می‌بینیم این فضای جهادی در نسل جوان پیشرفت کرده و استمرار دارد که همه آن به برکت حضرت امام (ره) است. این فضا که پیش‌تر با جهاد سازندگی شکل گرفته بود، اکنون با بسیج سازندگی، گروه‌های جهادی و فضاهای مشابه ادامه دارد و جوانان با همان انگیزه و شور، در آن رشد می‌کنند.» مردی در ادامه به تأثیر اردوهای جهادی بر رشد و احساس مفید بودن جوانان اشاره کرد: «وقتی گروه‌های جهادی و فعالیت‌هایشان را می‌بینیم و شرایط آنها را مشاهده می‌کنیم، متوجه می‌شویم این فضا باعث می‌شود جوانانی که در حال درس خواندن و انجام فعالیت‌های مختلف هستند احساس مفید بودن کنند. یعنی می‌بینند در همین سن می‌توانند حداقل یک مشکل یا گرهی از زندگی دیگران باز کنند. ممکن است یک فرد باتجربه‌تر نتواند یک پروژه عمرانی را بهتر انجام دهد اما در اینجا ناگه تربیتی و تجربه‌ای که به جوان داده می‌شود، ارزش ویژه‌ای دارد. آنچه جوان در این اردوی امروز و تجربه می‌کند، نه‌تنها در زمان شخصی او تأثیر دارد، بلکه در آینده و حتی در موقعیت‌های شغلی او نیز اثرات مثبت و ماندگار خواهد گذاشت.

تجربه اردوهای جهادی در شکل‌گیری هویت جوانان

وی افزود: «اردوهای جهادی برای افرادی که حضور فعال در این برنامه‌ها را دارند هم برای آنها تأثیر نیست. آنها از شهر خود مهاجرت می‌کنند و به مناطق کمبرخوردار می‌روند. در این مناطق با شرایط و مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند که هیچ‌گاه در شهر خودشان نمی‌بینند، مانند بیماری‌ها، وضعیت مسکن، خانه‌ها و مشکلات ناشی از کمبود علم، آگاهی و مطالعه. وقتی شخص به شهر خود بازمی‌گردد و در موقعیت شغلی و زندگی خود فعالیت می‌کند، با هر مشکلی که روبه‌رو می‌شود، قدردان شرایط و زندگی خود می‌شود. حتی اگر در شهر سختی‌های داشته باشد، نسبت به آن نقاط محروم، وضعیت او بهتر، مقاوم‌تر و ارزشمندتر است. این تجربه، رشد تربیتی و پیشرفت فردی خاصی برای شرکت‌کنندگان به همراه دارد.»

■ **اولین تجربه جهادی در زلزله کرمانشاه و تشکیل تیم کتاب کودک**

مسئول اردوی جهادی درباره اولین تجربه خود گفت: «اولین اردوی جهادی که رفتم برای کمک به زلزله کرمانشاه بود. آن زمان هوا سرد بود و من طلبه بودم. دوستانم به شمال رفتند ولی من و چند نفر دیگر به صورت ویژه به کرمانشاه رفتیم. در اردو، از هر کسی می‌پرسیدم در چه حوزه‌ای تخصص دارید. برخی در درمان فعال بودند و برخی در حوزه‌های دیگر. من تصمیم گرفتم در حوزه کودک فعالیت کنم. اول می‌ترسیدم بگویم کار کودک انجام می‌دهم، چون تجربه نداشتم، اما اتحادیون استارت کار کودک‌مان زده شد. وارد یک روستا شدیم و با دوستی که مامرش چندین کتاب کودک نوشته بود، تیم خود را تشکیل دادیم. دوستم در فاز تئوری بسیار خوب بود و من مسئول اجرای فعالیت‌ها شدم. بچه‌ها را صف کرده و یک قطار بزرگ درست کردیم. در روستا می‌چرخیدیم و بچه‌های دیگر هم به قطار اضافه شدند تا جایی که انتهای قطار قابل دیدن نبود! در پایان، بچه‌ها را به مسجد بردیم، یک سفره پهن کردیم و بچه‌ها با گل‌ها بازی کردند و استعدادهای خود را نشان دادند؛ مجسمه‌های زیبا و کارهای هنری فشنگی ساختند. این اولین برنامه من در حوزه کودک بود.»

او افزود: «همان سال در عید با گروه جهادی شهید هادی، با وسایل بازی ماشر موتور چهارچرخ، تیر و کمان و پنس بال به کرمانشاه رفتیم و فعالیت‌ها را ادامه دادیم. خدا رحمت کند سردار اسدالله‌پی را که از ما حمایت کرد و کمک‌مان کرد تا فعالیت‌هایمان پیش برود.»

■ **اقدامات عمرانی در خوزستان با نوسیه حاج قاسم**

مردی درباره فعالیت‌های خود در خوزستان گفت: «در خوزستان بیش از ۱۵۰ پروژه عمرانی داشتیم. این فعالیت‌ها در شهر آل‌ی‌سی و پنج کیلومتری اهواز از سال ۹۸ و به مدت سه سال ادامه داشت. با نگاه و توصیه حاج قاسم که گفته بودند: «هر کسی که نمی‌تواند برای دفاع از حرم برود، پس باید در خوزستان کمک کند»، توانستیم در آن بحران، در حد توان خودمان و با کمک مردم، این فعالیت‌ها را انجام دهیم.»

■ **ظرفیت بالای جوانان و ضرورت تجربه اردوهای جهادی**

مسئول اردوی جهادی در پایان گفت: «جوانان ظرفیت بالا و قوت دست نخورده و سالمی دارند و این ظرفیت برای چنین فعالیت‌هایی آماده است، اما متأسفانه این طور نیست که یک گروه مشخص بتواند نسل جوان را به طور کامل درگیر کند. عموماً درصد کمی درگیر می‌شوند و دلیل خاص آن را هم نمی‌دانیم. مساجد، مجموعه‌ها و خیریه‌هایی که این کار را انجام می‌دهند، گروه‌های جهادی و مسیج سازندگی این فرصت‌ها را ایجاد می‌کنند، اما هنوز جای کار دارد. ان‌شاءالله جایی فراهم شود که هر نوجوان و جوان، تا قبل از دوران دانشگاه و حتی در دوران دانشگاه، یک بار بتواند اردوی جهادی را تجربه کند. لزوماً همه این تجربه را نداشته و توانسته باشند این خدمت را انجام دهند. این توفیق قسمت هر کسی نمی‌شود و ان‌شاءالله خدا این توفیق را از ما نگیرد.»

ما همه جهاد گریم

حسین گل‌محمدی

۵۷ سال پیش در چنین ایامی یک طلبه مهربان و نوعدوست پس از وقوع زلزله‌ای در شهر فردوس در دیار خراسان، نخستین حرکت جهادی - امدادی خودجوش و هدفمند را برای کمک به زلزله‌زدگان ثبت کرد. آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یک روحانی مردمی و دغدغه‌مند، پس از اطلاع از وقوع زلزله فردوس در سال ۱۳۴۷ به این شهرستان سفر کرده، طی حضوری دو ماهه در این شهر، ضمن جمع‌آوری کمک‌های مردمی، پایگاه امداد و رحلت را ایجاد کردند و اقدامات مهمی را در خدمت‌رسانی به مردم زلزله‌زده فردوس سامان دادند.

شهریور ماه سال ۱۳۴۷، در زلزله فردوس، رهبری که آن روز هنوز نامی میان مردم به‌عنوان رهبر آینده انقلاب نداشت، با دل و دستانی پر از مهر به یاری زلزله‌زدگان شتافت و تاریخ حرکت‌های جهادی و امداد مردمی را اغازی دیگر بخشید. امروز، سال‌ها از آن روز گذشته، اما یاسش همان است. جهاد، فقط در میدان جنگ نیست؛ گاهی در آغوش گرفتن کودکی بی‌سرپرست است، گاهی در رساندن آب و نان به سفره‌های خالی، گاهی در دلگرم کردن مادری که خانه و عزیزش را از دست داده است. حرکت جهادی آن است، و نه فقط کمک به ساختن خانه‌ها که مرهمی بر زخم دل‌ها بود.

پیام روشنگرانه پیرجهاد گر ایران اسلامی به ملت ایران این است که همه ما جهادگریم و جهاد در تمام ساحت‌ها و مفاهیم آن، چه در عرصه نبرد با دشمنان و دفاع از مظلومان، چه در یاری و دستگیری از محرومان و آسیب‌دیدگان، بخشی از هویت ایرانیان مسلمان، خدادوست، وطن‌دوست و نوعدوست است.

آری همه ما جهادگریم؛ چه آن روز که پیکر زخمی مردمان فردوس زیر آوار لرزید و چه امروز که آرمان‌های نیاز از هر گوشه این سرزمین بلند شود، آماده حضور برای پاسخ به آن هستیم. ما همه جهادگریم؛ وقتی به جای تماشا گرمتن درد دیگران به یاری می‌خیزیم و بخشی از آن را بر دوش می‌کشیم.

آن روز نر فردوس، مردی از نسل روحانیت جوان، کنار مردم ایستاد تاکیدکرد: «فرد تو، درد من است». امروز هم اگر قرار است این سرزمین روی پای خود بایستد، جز با دست‌های همین مردم، با همین روحیه جهادی، ممکن نیست. جهاد، یعنی بی‌تفاوت نبودن. یعنی باور کردن اینکه امید، از دل ویرانی‌ها هم سر برمی‌آورد، مشروط بر آنکه همه ما باور کنیم در سایه فرهنگ جهادی هر ناممکنی ممکن می‌شود.

روایتی از صندوقی خانوادگی که معجزه می‌کند

وامی به وسعت محبت

اینجا خبری از بانک، کارمزد و سودهای سنگین نیست. وام‌ها نه از سر اجبار، که با دل و نیت خیر داده می‌شوند. صندوق خانوادگی‌ای که حالا پس از چهار دهه، همچنان با همان انرژی و نیت اولیه ادامه دارد و بار زندگی خیلی‌ها را به دوش کشیده. اینجا قصه محبت‌هایی است که بی‌سروصدا، زندگی می‌سازند.

■■■

صندوقی که ۴۰ سال است دل‌ها را به هم نزدیک‌تر کرده است

در روزگاری که فشارهای اقتصادی، نوسانات تورم و افزایش بی‌رویه هزینه‌های زندگی بر دوش خانواده‌ها سنگینی می‌کند، هنوز هم هستند کسانی که با نیت خیر، مهر و محبت و همدلی را به جای بهره و سود و حسابگری‌های دقیق می‌نشانند. حکایت صندوق خانوادگی‌ای که حالا ۴۰ سال از تولدش می‌گذرد، یکی از همین حکایت‌هاست؛ یک حرکت جهادی مردمی که نشان می‌دهد مهر، اگر در دل بنشیند، می‌تواند کوه را هم جابه‌جا کند.

■ **آغاز راه؛ یک میهمانی ساده، یک فکر بزرگ**

۴۰ سال پیش، در یک دورهمی ساده و صمیمی خانوادگی، ۱۰ نفر از اعضای فامیل تصمیم گرفتند کاری متفاوت انجام دهند. هر کدام هزار تومان گذاشتند تا با فرعه‌کشی، یک نفر بتواند وامی کوچک بگیرد و مشکلی از مشکلاتش را حل کند. شاید آن روزها هیچ کس فکر نمی‌کرد این حرکت کوچک به یک نهاد حمایتی قدرتمند و پایدار در دل خانواده تبدیل شود. طولی نکشید اعضای صندوق با درک عمیق‌تری از عدالت و انصاف، سیستم فرعه‌کشی را کنار گذاشتند و طرح جدیدی پیاده کردند. هر کس زودتر وام قبلی‌اش را تسویه کند، زودتر هم وام بعدی را خواهد گرفت. این تغییر ساختار، انگیزه‌ای مضاعف برای نظم، مشارکت و همکاری ایجاد کرد.

امروز، این صندوق با ۳۵۰ عضو فعال و مبلغ وام‌هایی تا سقف ۶۰ میلیون تومان، همچنان با همان روحیه اولیه اداره می‌شود. مدیر صندوق، حاج رضا، مردی ۷۵ ساله، بزرگ خانواده از نسل طلایی وفاداری و تعهد، هنوز با همان دفتر و ماشین‌حساب قدیمی‌اش امور را پیش می‌برد. نه تنها هیچ کارمزدی برای این مسئولیت نمی‌گیرد، بلکه معتقد است: «این کار، کار برای رضای خداست. آدم وقتی درستشو اداامه میده، انگار دنیا رو بهش دادن.»

■ **از ۱۰ نفر تا ۳۵۰ نفر؛ صندوقی به وسعت دل‌های یک فامیل**

امروز، این صندوق با ۳۵۰ عضو فعال و مبلغ وام‌هایی تا سقف ۶۰ میلیون تومان، همچنان با همان روحیه اولیه اداره می‌شود. مدیر صندوق، حاج رضا، مردی ۷۵ ساله، بزرگ خانواده از نسل طلایی وفاداری و تعهد، هنوز با همان دفتر و ماشین‌حساب قدیمی‌اش امور را پیش می‌برد. نه تنها هیچ کارمزدی برای این مسئولیت نمی‌گیرد، بلکه معتقد است: «این کار، کار برای رضای خداست. آدم وقتی درستشو اداامه میده، انگار دنیا رو بهش دادن.»

■ **روایت‌هایی از برکت صندوق**

وقتی پای صحبت اعضای صندوق می‌نشینی متوجه می‌شوی این فقط یک «وام خانوادگی» نیست؛ اینجا صحبت از زنجیره‌ای از مهر، امید و نجات از بن‌بست‌هاست. لیلا خانم، خانه‌دار با سهم ۵۰ هزار تومانی: «من چند سال پیش تو شرایطی بودم که فقط ۵۰ هزار تومن سهمیه ماهانه می‌دادم، ولی با همون توستسم وام بگیرم و سهم پیش خونه‌رو جور کنم. الان تو خونه خودمم، اگه اون موقع اون پول به دادم نمی‌رسید، الان هنوز مستأجر بودم.»

علی، ماشین‌دار شدن برای کارآفرینی: «من به وانت دست‌دوم گرفتم با وامی که از صندوق گرفتم. کار با بربری کوچیک را انداختم. الان نه تنها خرج خودمو درمیارم، بلکه به شاگرد هم دارم. خدا خیر بده حاج رضا رو.»

زهرا، دانشجوی مهندسی: «ترم آخر بودم، پول شهریه نداشتم. خجالت می‌کشیدم بگم. ولی حاج رضا خودش تماس گرفت گفت صندوق هنوز سهمیه دانشجویی داره، بیا بگیر، با همون شهریه رو دادم، فارغ‌التحصیل شدم. الان تو یه شرکت مهندسی کار می‌کنم.»

محسن و الهام، از داماد شدن تا جهیزیه فرزند: «بیا وام صندوق هم خرج عروسی‌مونو دادیم، هم جهیزیه رو جور کردیم. فکر نمی‌کردیم با این شرایط بشه دومن فرض و بدهی عروسی بگیریم ولی شد. فقط با همراهی فامیل.»

■ **صندوق؛ فراتر از پول، نزدیک‌کننده دل‌ها**

فرزندان نسل جدید که وارد این صندوق شده‌اند، می‌گویند موضوع صندوق، فقط بحث مالی نیست. حس هم‌خانوادگی، دیدارهای ماهانه، خبر گرفتن از حال هم، شنیدن شادی‌ها و غصه‌ها موجب شده همه احساس کنند عضوی از یک شبکه قوی حمایتی‌اند؛ چیزی که در این روزگار، کمتر پیدا می‌شود.

■ **وقتی خیر عمومی هدف اصلی است**

صندوق خانوادگی حاج رضا شاید در ظاهر فقط یک الگوی ساده مالی مشارکتی باشد، اما در واقع الگویی موفق از عدالت اجتماعی در مقیاس کوچک و اقتصاد مقاومتی مردم‌پایه است. بدون وابستگی به نهادها، بدون مجوزهای پرهزینه، بدون کاغذبازی، اما با یک چیز مهم: اعتماد. اگر هر فامیل یا محله‌ای چنین نگاهی داشته باشد، شاید نیاز به خیلی از وام‌های سنگین بانکی و بدهی‌های طاقت‌فرسا نباشد. شاید گره‌های زیادی با دستان خود مردم، آن‌هم با لبخند و رضایت باز شود.

روایت ایثار از زلزله فردوس تا امروز

طلبه جوانی که ۵۷ سال پیش اردوهای جهادی را آغاز کرد

در لحظه‌ای که دل مؤمنی از اندوه رها می‌شود، نور ایمان در زندگی ما روشن‌تر از هزار حج مقبول است. روز ملی حرکت‌های جهادی و امداد مردمی یادآور آن عهد الهی است که در آن مؤمنان، با عشق و فداکاری، گره‌گشای مشکلات همنوعان شدند و خدمت‌گزاری‌شان را به عبادتی بر تر تبدیل کردند. گاهی کار جهادی با انفاق جان است گاهی با مال و گاهی با هر آنچه در بنیه و توان جسمی است که می‌شود کارهای جهادی در مناطق محروم!

■■■

در فرهنگ غنی و پرمغز دین اسلام، گره‌گشایی از کار خلق و خدمت به همنوعان از بالاترین و ارزشمندترین مظاهر عبادی و اخلاقی محسوب می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید آنچه به سود مردم باشد پایدار و ماندگار است، چنانچه سوره رعد، آیه ۱۷ در تأیید همین جمله است: «آنچه به سود مردم باشد پایدار و جاوید خواهد بود و آنچه سودمند نباشد مانند کف روی آب است که به زودی از میان می‌رود و اثری از آن باقی نمی‌ماند» و احادیث نورانی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) بارها اهمیت کمک به دیگران حتی در پنهان را یاد آور شده‌اند همچون فرمایش پیامبر (ص) «مردم به منزله عیال خدا هستند، دوست‌داشتنی‌ترین خلق نزد خدا کسی است که به مردم نفع برساند.» این امور ما نشان می‌دهد که کمک به مردم و جهاد در مسیر رفع نیازهای جامعه، نه تنها امری ثانوی، بلکه یکی از اصیل‌ترین اشکال عبادت و تعبد در اسلام است.

سالروز زلزله سنگین شهر فردوس در شهریور سال ۱۳۴۷، نقطه عطفی در تاریخ خدمات داوطلبانه و جهادی در ایران است. در آن روز غمبار، امام خامنه‌ای طلبه جوانی بود که با تزیینی و همتی جهادی، گروه امداد مردمی را تشکیل داد و با حضور مستقیم در منطقه حادثه‌دیده، اولین حرکت منظم جهادی کشور را پایه‌گذاری کرد. این اقدام الهام‌بخش، زمینه‌ساز گسترش بزرگ‌ترین موج خدمت اجتماعی در ایران شد؛ حرکتی که امروز تداوم آن، هزاران گروه جهادی در سراسر نقاط محروم کشور در حال خدمت‌رسانی‌اند.

در پاسداشت نقش محوری این شهر در انقلاب فرهنگی با تصویب مصوبه‌ای، روز ۱۳ شهریور را نخست عنوان «روز ملی حرکت‌های جهادی و امداد مردمی» در تقویم رسمی کشور ثبت کرد؛ حرکتی در خور تقدیر برای یادآوری و ارجگذاری آن حرکت مقدس از آن زمان تاکنون، این روز نه تنها به نقطه‌ای برای تجلیل از جهادگران تبدیل شده، بلکه به نمادی زنده از فرهنگ خدمت جهادی و همدلی ملی بدل گشته است.

در اسلام، انفاق و کارهای عام‌المنفعه از اهمیت بالایی بر خوردارند، چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید.» (بقره: ۲۵۴)

خداوند متعال در آیه ۲۷۳ سوره بقره در رابطه با گره‌گشایی از کار مردم می‌فرماید: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (این صدقات) بار بر آن (دسته از) نیازمندانی است که در راه خدا درمانده‌اند، و نمی‌توانند (برای تأمین هزینه زندگی) در زمین سفر کنند. از شدت خویشتن‌داری، فردی بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آنها را از سیمای‌شان می‌شناسی. با اصرار، (چیزی) از مردم نمی‌خواهند. و هر مالی‌که (به آنان) انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است.»

نبی‌مکرم اسلام(ص) همچنین فرموده است: «مردم به منزله عیال خداوند می‌باشند، دوست داشتنی‌ترین خلق پیش خدا کسی است که به مردم نفع برساند یا خانواده‌ای را خوشحال کند یا با برادر مسلمانش به‌خاطر برآوردن حاجتش راه برود، این عمل از اعتکاف دو ماه در مسجدالحرام بهتر است.»

پیامبر (ص) فرمود: «عبادت‌ترین مردم آن کسی است که نسبت به مردم خیر خواهتر از دیگران باشد و سودش به مردم برسد.

در روایت دیگر پیامبر(ص) فرمود: «بنده‌ای از بندگان خدا در اثر اینکه شاخه خاری را از سر راه مسلمین برداشت اهل بهشت شد.»

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «خوشا به حال کسی که زیادی مالش را انفاق کند.» این احادیث و آیات بر لزوم کمک به نیازمندان، حمایت از آنها و اهمیت انجام کارهای نیکو، حتی به صورت پنهانی تأکید دارند.

پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «مؤمنان برادران یکدیگرند که بعضی از آنان نیازهای بعضی دیگر را رفع می‌کنند و خداوند هم نیازهای او را بر آورده می‌کند. از بهترین اعمال این است که انسان مؤمنی را شاد، یا گرسنگی را از او دفع کند و از غصه برهاند یا قرض او را ادا کند یا به او لباس بدهد.»

نبی‌مکرم اسلام(ص) فرمود: «خدا بندگانی دارد که در بهشت فرمانروایی می‌کنند، پرسیده شد چه کسانی در بهشت فرمانروایی می‌کنند؟ فرمود: کسانی که نیاز مردمی را برطرف می‌کنند و این کار را در بین خودشان مخفی نگه می‌دارند.»

امام علی(ع) در این باره، به کمیل می‌فرماید: «کی کمیل به خانواده‌ات دستور ده در تحصیل مکارم اخلاق بکوشند و حتی در تاریکی‌های شب به برآوردن حاجات مردم و رفع گرفتاری‌های آنها بپردازند، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، هیچ کس بر دل انسان مؤمنی سرور و شادمانی وارد نمی‌کند مگر آنکه خدا از این عمل خیر، یعنی سرور و شادمانی، مایه لطفی می‌آفریند که در موقع نزول بلا و به هنگام گرفتاری سریع‌تر از سیلاب در سراشیبی، به یاری او می‌رسد و او را نجات می‌دهد.»

حضرت علی (ع) در این باره، به کمیل می‌فرماید: «کی کمیل به خانواده‌ات دستور ده در تحصیل مکارم اخلاق بکوشند و حتی در تاریکی‌های شب به برآوردن حاجات مردم و رفع گرفتاری‌های آنها بپردازند، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، هیچ کس بر دل انسان مؤمنی سرور و شادمانی وارد نمی‌کند مگر آنکه خدا از این عمل خیر، یعنی سرور و شادمانی، مایه لطفی می‌آفریند که در موقع نزول بلا و به هنگام گرفتاری سریع‌تر از سیلاب در سراشیبی، به یاری او می‌رسد و او را نجات می‌دهد.»

در سایه حجره‌های بازار ابزارفروشان، صندوقی هست که نه نامش را کسی روی تابلو می‌بیند، نه مدیرانش دنبال دیده‌شدن هستند، اما در خیش را می‌توان در لبخند یک تازه‌داماد، در ساعتی بیماری بهبود یافته و در مغازه‌ای که تازه چراغش روشن شده، دید. صندوق اندوخته غدیر، حالا پنج دهه است که بی‌وقفه از دل بازار، امید می‌پاشد در زندگی آدم‌ها

۵۰ سال مشارکت بی‌ادعای ابزارفروشان در دل بازار

وقتی کسبه واسطه حفظ آبروی دیگران می‌شوند

**در دل هیاهوی بازار، میان چکش و میخ و آجر، جایی هست که صدای سکه مهم نیست؛ صدای دل است که شنیده می‌شود. آنجا که دست‌ها نه برای چانه‌زنی که برای گره‌گشایی بالا می‌رود؛ آنجا که پول نه ابزار سود که واسطه‌ای برای نجات و ساختن است. صندوق اندوخته غدیر، یادگاری از همت بازاریانی است که باور دارند کسب حلال، اگر با نیت خیر آمیخته شود، خودش جهاد است. از میان مغازه‌ها و باسازار بازار ابزارفروشان، صندوقی سربرآورده که به‌بیچ تابلویی، به‌بیچ تبلیغی، فقط با اتک